



یک جیبی آل اسحاقی*

بررسی دیدگاه های اقتصادی آقای هاشمی به روند مسائل کشور در بعد از انقلاب بر می گردد. در این تاریخ شرایط انقلاب، جنگ، بعد از جنگ را داشتیم. از خصوصیات آقای هاشمی این بود که به خوبی خود را با اقتضائات زمانی، مکانی و مصلحت کشور تطبیق می داد. این شناخت در عین حال با جامعیت نیز همراه بود. ایشان صاحب ابداع و ابتکار در اکثر حوزه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و امور بین الملل بود. آقای هاشمی در حوزه اقتصاد هم اقتضائی عمل می کرد. در شرایط جنگ لازم بود شیوه اداره اقتصاد کشور، چنگی باشد. ایشان جانشین فرمانده کل قوا بود بنابراین تدارک و لجستیک جنگ را اولویت خود قرار داده بود و با یک برنامه ریزی دقیق در تمام نهاد ها و وزارت خانه ها نهادی به نام معاونت جنگ تاسیس کرد، که در حیطه هر وزارت خانه هدایت امکانات و شرایط درمسیر جنگ بود. در آن شرایط اولویت نظام بر جنگ بود لذا علیرغم تمام محدودیت هایی که در شرایط جنگ و تحریم ها داشتیم، برنامه ریزی دقیقی صورت گرفت تا از این مرحله عبور کنیم. بعد از جنگ با چندین موضوع روبرو بودیم. یک بخش مربوط به بازسازی ویرانی های جنگ بود که بر اساس برآوردهای آن زمان حدود ۱۰۰۰ میلیارد دلار خسارت جنگی دیدیم. پالایشگاه ها، پل ها، نیروگاه ها، سد ها و شهرها و روستاهای ما تحت تاثیر ۸ سال جنگ عظیم، آسیب های فراوانی دیدند که نیاز به سازندگی و ترمیم داشت. بخش دیگر اما مردم بودند که دوران ۸ساله جنگ را گذرانده بودند که انتظارات انباشته ای برای تجربه زندگی راحت تر داشتند. انتظارات مردم در موردنیزها و رفاهشان با دوران جنگ متفاوت بود. از طرف دیگر باید برای توسعه کشور برنامه ریزی می کردیم. همه این نیازها با نبود امکانات روبرو بود. در برخی از دوره ها کل درآمد اززی مان ۱۰ میلیارد دلار بیشتر نبود و این مبلغ به شکل یوزانس و ۶ ماهه به کشور پرداخت می شد. مدیریت همه این موارد برای اقتصادی که نیاز به رشد و توسعه نیز داشت یک برنامه ریزی دقیق و مدیریت قدرتمندی را می طلبد که آقای هاشمی در مقاطع مختلف از آن بهره مند بود.

طراحی، اجرا و مدیریت اقتصاد در این دوره به خصوص بازتاب هایی که داشت کار دشواری بود. ما در آن زمان پولی برای سرمایه گذاری نداشتیم.راه هایی مانند کم کردن واردات و مواد مصرفی به کار رفت و به جای آن ماشین آلات صنعتی وارد کشور شد که نه همان لحظه بلکه ۳ سال بعد جویگو بود. فشار روی عرضه، مرکز بر روی توسعه و نبود منابع نیازمند مدیریت و صبر بود که آقای هاشمی از آن بهره برده بود. ساخت و بازسازی جاده ها، سد ها، پتروشیمی، ذوب آهن و اکثر زیر ساخت هایی که امروز شاهد آن هستیم نطفه و پایه های آن در دوران آقای هاشمی با تمام محدودیت ها بسته شد. این اقدامات بازتاب ها و فشارهای اجتماعی فراوانی را برای شخص آقای هاشمی به همراه داشت که با تمام این فشارها صبوری زیادی برای آن به خرج می داد.

هر کدام از اقدامات ایشان از جهات مختلف فشارهایی را به همراه داشت که تحمل آن نیازمند سینه گشاده و سعه صدری بود که با هر کس با ادبیت خودش برخورد کند که یکی از خصوصیات مهم آقای هاشمی بود که در طول زندگی شان آن را تمرین کرده بودند. آقای هاشمی ۱۷ بار به زندان رفت و تحت شکنجه های فراوانی نیز قرار گرفت اما صبوری را از این سختی ها آموخت.

✽ وزیر بازرگانی دولت سازندگی



حسین کنعانی مقدم*

ازابتدای تاریخ انقلاب اسلامی که آیتالله هاشمی رفسنجانی را شناختیم تا ملاقاتی که هفته‌های اخیر با ایشان داشتیم، همیشه ارتباط میان اصولگرایان با او وجود داشته و نگاه ایشان به مسائل لقلاب نگاهی پدراهن بود و نمی‌توان هاشمی رفسنجانی را در حزب یا جناحی خاص تعریف کرد؛ چرا که همیشه از جایگاه انقلاب به مسائل نگاه کرده‌اند و تمامی جناح‌های سیاسی نیز ارتباط خود با او را حفظ کردند. در حوادث سال ۸۴ نیز به این ترتیب نبود که اصولگرایان از هاشمی رفسنجانی کناره گرفتند بلکه در این سال اختلاف نظرهایی در بحث مدیریت کشور مطرح بود که به هر حال بخشی از جریان اصلاح‌طلب و گروه‌های سیاسی مختلف سعی کردند با مصداره آقای هاشمی به نفع خودشان، وی را از دیگران جدا کنند که ایشان با تدبیر و درایت، مانع از این کار شدند تا جناح خاصی نتواند ایشان را مصداره کنند. باید بگویم که آقای هاشمی از موضعی پدراهن به هر شرایطی و همواره با تمامی احزاب سیاسی تعامل داشته‌اند، به علاوه اینکه نقش اصلی در حزب جمهوری و شکل گیری انقلاب اسلامی نیز به عهده ایشان بود. حتی بعد از سال ۸۴، شاید بسیاری انتظار داشتند که رهبری در پیام خود درآن زمان که نامی از خنلسان نمی برد، هاشمی را از انقلاب و رهبری جدا کنند که موفق نشدند.

هاشمی رفسنجانی را در هفت دوره می توان تعریف کرد؛ قبل از سال ۴۲ ایشان در قم علیه رژیم ستم فعالیت می‌کرد و از همان زمان منشا تحولات بسیاری در بحث انقلاب بود. دوره بعد، پس از سال ۴۲ بود که همراه امام(ره)، نهادهای انقلابی را شکل داده و مبارزات علیه شاه را سازماندهی و تشکیلاتی کرد. با پیروزی انقلاب اسلامی آیت‌الله هاشمی در پیروزی انقلاب و در شورای انقلاب، نقش بسیار مهمی برعهده داشت. آقای هاشمی کارهای تشکیلاتی، سازمانی و حاکمیتی زیادی در ذهن داشت و از همان ابتدای برای شکل گیری جمهوری اسلامی ایران تلاش کرد. دوره بعدی را به اعتقاد خود هاشمی رفسنجانی، «دوران عبور از بحران» می‌نامیم که کتاب خاطراتش هم در همین زمان چاپ شد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، کشور با بحران‌های بسیاری دست و پنجه نرم کرده است؛ از جریان‌های نفاق گرفته تا نین صدر و نه‌اجم آمریکا به ایران و نهایت لانه جاسوسی در چنین شرایطی این هاشمی رفسنجانی بود که نقش مهمی را در مدیریت صحنه ایفا کرد و هم‌راه با یاران امام(ره) و مقام معظم رهبری توانستند کشور را از بحران هایی که هرکدام از آنها می‌توانست یک کشور را سرنگون کند، عبور دادند. بعد عبور از بحران، دوران جنگ آغاز می‌شود و او هم‌تیرین عامل شکل گیری دفاع مقدس و شورای دفاع بود؛ پیروزی ایران، ساماندهی نیروهای مسلح جز با همراهی و همفکری هاشمی رفسنجانی امکان‌پذیر نبود؛ ایشان نقش بی‌بدیلی در این میان داشتند. به دوران سازندگی می‌رسیم، او امیرکبیر بود و سردار سازندگی. پس از خرابی‌های دوران جنگ، زیرساخت‌هایی که در مرحله اجرا در آورده شد و اقدامات آقای هاشمی یکی از مهم‌ترین اقداماتی بود که در تاریخ ایران ثبت شده و می توان گفت بسیاری از پروژه‌های کشور مروهن دوران سازندگی هاشمی رفسنجانی است. پس از دوران سازندگی، دورانی بود که فعالیت ایشان در خیرگان رهبری آغاز شد و اقداماتی که ایشان در تعیین رهبری در خیرگان انجام دادند و آشکار است که مواضع رفسنجانی نسبت به رهبری چگونه بوده و چطور عمل کرده‌اند.

✽ دبیر کل حزب سبز



ابطحی: باور ایران بدون هاشمی رفسنجانی دشوار است

محمد علی ابطحی در اینستاگرام خود، نوشت: نگرانی پس از درگذشت آیت‌الله هاشمی به این دلیل است که همیشه سیاست جمهوری اسلامی با هر گزایشی نگاهی به هاشمی و نقش او داشته‌اند . به گزارش ابتکار، محمد علی ابطحی در صفحه اینستاگرام خود با اشاره به درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بیان کرد: رفتن هاشمی هم تلخ و هم بهت آور بود. باور ایران بدون هاشمی رفسنجانی دشوار است. او هر فصلی مخالفان خودش را داشت، اما همه آنها به بزرگی و نقش آفرینی او در حل مشکلات باور داشتند و شخصیت های سیاسی همیشه مورد توجه، نقد به حق یا ناحق جامعه بوده‌اند. اما بهت و نگرانی پس از مرگ او به همین دلیل است که همیشه سیاست جمهوری اسلامی با هر گزایشی نگاهی به هاشمی و نقش او داشته‌اند. از خوبی‌های زندگی سیاسی هاشمی رفسنجانی این بود که با یک تسامحی همیشه معتقد بود که خیمه انقلاب باید گسترش یابد. امروز ابتدا در منزل مرحوم هاشمی و سپس در حسینیه جماران عرض تسلیت کردم.

آثار رحلت «آیت‌الله» بر آینده سیاسی جمهوری اسلامی چگونه خواهد بود؟

ایران بدون هاشمی



همفکرانی که بعدها شاکله حزب جمهوری اسلامی را تشکیل دادند، در تقابل با گروه‌های سیاسی دیگر همچون مجاهدین خلق به سر می‌برد، با آغاز انشقاق در حزب جمهوری اسلامی از یک سو و جامعه روحانیت مبارز از سوی دیگر و شکل‌گیری جناح‌های چپ و راست سیاسی در ایران، نمی‌توان نقش هاشمی رفسنجانی را در ایجاد تعادل سیاسی بین جناح‌های سیاسی نادیده گرفت. در این باره می‌توان دو روایت داشت. در روایتی که از بیرون به رابطه هاشمی رفسنجانی با جناح‌های سیاسی نگاه می‌کند، وی در هنگامه ضعف هر جناح، به آن سو نزدیک می‌شد تا با وزنه خود تعادل فضای سیاسی ایران را حفظ کند. هنگامی که رفسنجانی در راس دولت قرار داشت، یک اصولگرای تمام عیار به نظر می‌رسید. این در حالی بود که در آن دوران جناح چپ به تاژگی ظهور کرده بود و برد فکری و اجتماعی خوبی در آینده نظام هم موثر است. شاید به همین دلیل بود که نقش خود در جایگاه یکی از زعمای اصولگرایی ادامه داد. با این حال از این زمان بود که رویکرد احتمالی‌اش تری را در پیش گرفت. هنگامی که اصولگرایان در سال ۸۴ علیه‌رغم کاندیداتوری هاشمی رفسنجانی، از محمود احمدی‌نژادی حمایت کردند که اتفاقا یکی از محورهای احتمالی‌اش خود را در حمایت از احمدی‌نژاد در پیش‌جمهور دوران استنادی‌اش قرار داده بود، با توجه به رویکرد احمدی‌نژاد در کنار رد صلاحیت گسترده اصلاح‌طلبان در دوران پس از مجلس ششم شورای اسلامی که باعث کم‌رنگ شدن این جریان شده بود، هاشمی کم کم به اصلاح‌طلبان متمایل شد. این اتفاق از سال ۸۸ به بعد پررنگ‌تر به نظر رسید

نزدیک بودن زمان رحلت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به انتخابات ۹۶ می‌تواند آثار و نتایج واضحی بر این انتخابات داشته

یادداشت آیت‌الله در آینه جناح‌های سیاسی

زمانی از آیت‌الله هاشمی رفسنجانی پرسیدم که شما به چه دلیل در مقطعی با یک جناح و در مقطعی دیگر با جناح دیگری همکاری می‌کنید ایشان پاسخ دادند: «هیچ‌سهمی نه با این جناح و نه با آن جناح نبودم و تنها راه خود را می‌یابیم و یک طراز و تعادلی دارم و در این مسیر گاهی این جناح و گاهی آن جناح منتقد می‌شوند. بنده سر جای خود هستم و این بقیه هستند که جای خود

را تغییر می‌دهند.» آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از دیرباز یعنی از قبل از پیروزی انقلاب اسلامی یک ایده و آرمانی داشت که پا به پای تغییر زمان درگرفتن شد به این معنا که هدف سر جای خود قرار دارد. اما ابزارهای تحقق آن تغییر می‌شدند؛ گاهی گمانیکه قبل از انقلاب برای تأسیس این نظام دنبال کرده بود. این نظام در وهله اول باید به لحاظ اقتصادی راهی را برود که از نظامی پیشین که آن را سرنگون کرده است موفق‌تر بوده یا حداقل ناکام‌تر نباشد ضمن اینکه از جنبه سیاسی آن نظام را دیکتاتوری سرکوب‌گر می‌دانست بنابراین سیستم ما نباید سرکوبگر باشد. از جنبه فرهنگی قاطبه این ملت مسلمان بوده و بر ارزش‌های اسلامی و دینی پایبند هستند که باید پاسداری شود. این جابود که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بنیاد برنامه خود را بر اساس این موارد بنا کرد و طبیعی است که آثار تنش‌زایی دارد ازجمله دوستی با همسایگان و وقایع ملی که چارچوب برنامه‌های ایشان را تشکیل می‌داد ولی در هر مقطعی افرادی به گونه‌ای اقدام کرده که به زعم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی خلاف این قاعده را عمل کردند. بی تردید هر فردی که نزدیک‌تر به این قاعده بوده خودبخود به وی نزدیک‌تر شده است به طور مثال در دهه ۶۰ در طول جنگ تحمیلی اقدامات هاشمی رفسنجانی در پیوستن جمهوری اسلامی این بود که جنگ را به گونه‌ای اداره کند که به پیروزی برسد. هر فردی که خلاف این معیار عمل می‌کرد خودبخود از آیت‌الله هاشمی رفسنجانی فاصله می‌گرفت. در این برهه از زمان تمام گروه‌های سیاسی نزدیک‌ترین فاصله را با ایشان داشتند چراکه هدفشان مشترک بود. بعد از پایان جنگ تحمیلی دو هدف ایجاد می‌شود به این صورت که برخی معتقدند باید تنها به صورت فیزیکی انقلاب و شکل اجتماعی خود ادامه دهند که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی معتقد بود این روش مخالف فکرات انقلاب اسلامی است چراکه این باید به سمت سازندگی بخش‌های ویران‌شده در جنگ تحمیلی حرکت کنیم اینجاست که بار دیگر یکی از دو جناح از ایشان فاصله می‌گیرد و جناح راست همراه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی می‌شود چراکه در قدرت شریک هستند و حفظ نظم موجود به مصلحت آنها است. جناح چپ از قدرت رانده شده و در انتخابات نیز شکست خورده و خیلی پایبند به نظم مستقر نیست به همین دلیل از ایشان فاصله می‌گیرند تا سال ۷۳ که جابجایی منافع رخ می‌دهد و در میان جناح راست عده‌ای احساس می‌کنند سیاست‌های دولت سازندگی، به‌ویژه خصوصی‌سازی و آزادسازی اقتصادی منافع آنها را تهدید می‌کند بنابراین اینبار جناح راست از آیت‌الله هاشمی رفسنجانی جدا شده و دورروزی ایشان قرار می‌گیرند و جناح چپ که بی‌پناه شده احساس می‌کند باید با کمک ایشان می‌تواند خود را اعاده کند بنابراین به آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نزدیک می‌شوند. در سال ۷۶ با مدیریت ایشان انتخاباتی برگزار می‌شود که رییس دولت اصلاحات به‌عنوان رییس‌جمهور به میدان می‌آید که یک رادیکالیسم تحول‌خواه شدید شکل می‌گیرد که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را نماد نظم مستمر می‌داند و به این دلیل که جسارت انتقاد به فرد دیگری را ندارند به سبیل انتقاد تبدیل می‌کنند و مجدداً از ایشان فاصله می‌گیرند. جناح راست هم دیگر منفعتی در همراهی با ایشان نمی‌بیند چراکه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی قدرت اجرایی نداشته و از منابع مالی دولت نیز بهره‌مند نیست و توانایی تامین یا به‌خطر انداختن منافع هیچ گروهی را ندارد بنابراین آنها هم بر مخالف پیشین خود باقی می‌مانند و ایشان تنها می‌شوند منتهی همچنان مسیرون خود را ادامه می‌دهد تا سال ۸۴ و به شدت بیشتر سال ۸۸ که جناح چپ ناگزیر می‌شود خود را با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی همسو کند. در سال ۸۸ ایشان احساس می‌کند که کیان ملی به دلیل ایجاد شائبه‌هایی بربمرون نتیجه انتخابات به‌خطر افتاده است فارغ از اینکه این شائبه‌ها درست یا نادرست باشد این مباحث منافع ملی را تهدید می‌کرد و مملکت دچار نوعی بحران شده بود. اینجا بود که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی احساس می‌کند برای وارد کردن سبیل مخالفان به زیر چتر ملی باید از آنها حمایت کند که در پی آن سخنرانی معروف ۲۶ خرداد از ایراد می‌کند البته این تلقی اشتباهی است که برخی تصور کنند آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به سمت جناحی که ضعیف‌شده می‌رفت تا آن را تقویت کند ولی واقعیت این است که مواضع ایشان تغییر نکرده است و هر جناحی برای بهره‌مندی از نقش ایشان با تغییر شرایط سیاسی و اجتماعی به آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نزدیک می‌شد و این موضوع باعث شده بود که همان حرفی که به نقل از ایشان ۵ سال قبل انقلابی تفسیر می‌شد امروز اصلاح‌طلبی یا خروج از انقلاب تفسیر شود.

✽ روزنامه‌نگار

یادداشت رفتارهای مدرن شهامت می‌خواست که آیت الله فقید داشت

آمارهای در دسترس نشان می دهد شاخص های عمده اقتصادی در سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸ روند نگران کننده‌ای پیدا کرده بودند. به طور مثال درآمد سرانه ایرانیان در سال ۱۳۶۷ به کم‌ترین سطح خود در دهه منتهی به این سال رسیده بود، سرمایه گذاری با نزول شدید رو به رو بود و رشد اقتصادی منفی شده و نرخ بیکاری و تورم به سمت بالا حرکت می کرد. یکی از دلایل توقف جنگ



محمد صادق جنان صفت

از سوی ایرانیان شاید همین روند نگران کننده شاخص‌های اقتصادی بود. در چنین شرایطی بود که زمزمه های رئیس جمهوری آیت‌الله فقید هاشمی رفسنجانی به گوش رسید و این مسئله با توجه به شناخت و توزیع قدرت نهادهای اداره کننده جامعه به ویژه حذف نهاد نخست وزیری و بر آمدن نهاد ریاست‌جمهوری که اختیاراتش فوق‌العاده افزایش یافته بود هر روز بیشتر می‌شد. آیت الله هاشمی رفسنجانی بدون رقیب جدی در انتخابات برنده و منصب ریاست‌جمهوری را کسب کرد. او وقتی اداره قوه‌مجریه را در دست گرفت چند کار در حوزه اقتصاد کلان انجام داد که بدون تردید، نو، مدرن و اصلاح‌گراانه بود. یکی از اقدام‌های او که البته از دوره ریاست بر مجلس کلید آن زده شده بود، استفاده از منابع خارجی برای جبران کمبود سرمایه‌ارزی و ربالی بود. کارشناسان و صاحب‌نظران اقتصادی به این نتیجه رسیده بودند که منابع حاصل از فروش و صادرات نفت به تنهایی نمی‌تواند تکلافی سرمایه‌مورد نیاز برای ساخت و توسعه امور زیربنایی مثل ساختن پالایشگاه، نیروگاه، فرودگاه، جاده و راه‌آهن را بدهد. این شاید نقطه افتراق آیت الله هاشمی رفسنجانی با جناح چپ مذهبی بود.

چپ‌های ایرانی که در دهه ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸ بیشترین قدرت دولت و تا اندازه‌ای مجلس قانونگذاری و سایر نهادها را در اختیار داشتند، این کار دولت را نمی‌بسیندیدند و مخالفت‌های جدی با آن داشتند. در مجلس سوم بود که طیفی از نمایندگان به رهبری شادروان محسن نوربخش و همراهی افرادی مثل اسحاق جهانگیری، معاون اول فعلی رئیس‌جمهور حسن روحانی، عبدالعلی کلاشتری، هدایت الله آقایی، مرتضی‌الوپری و … رویکرد به خارج را در دستور کار قرار دادند و آیت الله شه‌ر رفسنجان در مقام ریاست مجلس و سپس ریاست قوه مجریه این کار را تأیید کرد.

در آن روزهای سخت و سرد نسبت به خارجی‌ها این کار شهامت می‌خواست که در نزد هاشمی رفسنجانی بود و بعدها و در زمانی که آیت الله فقید هاشمی رفسنجانی دو تن از وزیران ارشد خود را به کشورهای اروپایی فرستاد تا نسبت به جذب سرمایه خارجی به ویژه سرمایه ایرانیان خارج از کشور اقدام کنند، شکاف دیدگاهی او با چپ‌های مذهبی بیشتر شد. برخی افراد شاخص آن روزها در روزنامه سلام و در هفت نامه هایی که در اختیارشان بود این کار رئیس‌جمهور وقت را با این اصطلاح که فرمز زیر پای سرمایه‌داران باز می‌شود، مخدوش نشان می‌دادند و این حرکت را در مسیر آموزه‌های سرمایه‌داری می‌نامیدند.

خصوصی سازی

یکی از برنامه‌های آیت الله هاشمی رفسنجانی در دوره ریاست جمهوری که بازمج موجب شکاف بیشتر با چپ‌های حاکم بر جامعه در دهه نخست انقلاب شد، خصوصی‌سازی سهام شرکت‌های دولتی بود. خصوصی سازی به مثابه استراتژی اتخاذ شده از سوی «مارگرت تاچر» نخست وزیر بریتانیا و «رونالد ریگان» رئیس‌جمهور آمریکا علاوه بر مسائل اقتصادی واجد یک فلسفه سیاسی بود و آن توزیع مجدد قدرت میان نهاد دولت و نهادهای مدنی مثل جبهه خودخوانده، بنگاه و احزاب بود. به این معنی که با فروش سهام شرکت‌های تحت تملک دولت از حجم تصدی‌گری دولتی و در نتیجه فرمانروایی دولت و حکومت کاسته می‌شود و بر ابعاد قدرت بخش خصوصی و خانواده‌ها می‌افزاید.

آیت الله هاشمی رفسنجانی که مردانی کارآزموده و دارای فلسفه خاص اقتصادی در کنارش بودند، درک دقیقی از این موضوع داشت و به همین دلیل بود که خصوصی‌سازی را با همه دشواری های سیاسی می‌پذیرفت.

این خواست دولت به صورت ضمنی در تصوره‌های ۳۲ و بند های ۳۷-۴۰ تا ۸-۱ و قانون برنامه اول توسعه اقتصادی-اجتماعی شکل گرفت. هدف‌های کلی مثل بهبود مدیریت، تقویم دارایی‌ها، تعیین حداقل سودهی و لغو معافیت شرکت‌های دولتی در همین مسیر ارزیابی می‌شود. چپ‌های مذهبی ایران این کار را تخطئه کرده و آن را مخفی‌سازی نامیدند. منظور آن‌ها این بود که رهبران دولت وقت، کارخانه‌ها را به آشنایان، دوستان، اقوام و خویشاوندان خود واگذار می‌کنند. قانون توسعه و قانون واگذاری سهام دولتی و متعلق به دولت با دو هدف کاهش حجم اعتبارات دولتی و افزایش رفاه لایه‌های کم‌بضاعت اجتماعی دنبال شد. شاید دولت‌های سازندگی به دلیل فقدان تجربه و ناکاربلدی و یا حتی برخی ترس‌خواری‌های پنهان و پوشیده توانست در جذب سرمایه ایرانیان که رفغ به مصداره بورژوازی یکی از شرایط برگشت‌شان بود و همچنین خصوصی‌سازی تمام عیار کامیابی کافی به دست نیابوره باشند اما راه را باز کردند.

آیت الله هاشمی رفسنجانی با پذیرش آرای کارشناسان و اقتصاددانان طرفدار آزادی اقتصاد در مسیر مدرنیسم نه تنها سنگی نگذاشت بلکه با گذاشتن آبروی خویش، سنگ ها را تاجایی که می‌توانست برداشت.

^[1] محمد علی ابطحی در اینستاگرام خود، نوشت: نگرانی پس از درگذشت آیت‌الله هاشمی به این دلیل است که همیشه سیاست جمهوری اسلامی با هر گزایشی نگاهی به هاشمی و نقش او داشته‌اند

^[2] گزارش ابتکار، محمد علی ابطحی در صفحه اینستاگرام خود با اشاره به درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بیان کرد: رفتن هاشمی هم تلخ و هم بهت آور بود